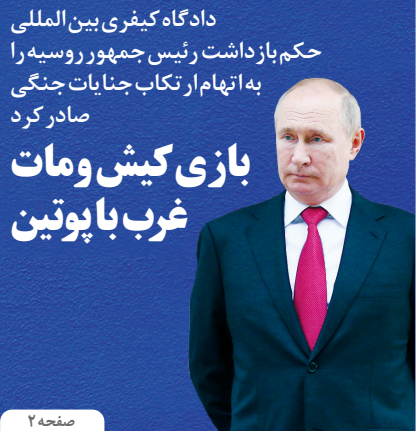




نوروزتان پیروز

سال ۱۴۰۱ با همه سختی هایی که برای مردم ایران داشت پشت سر گذاشته شد. بهار طبیعت از راه می رسد. همزمانی طلیعه بهار با رمضان بهار قرآن می تواند آغاز دورهای باشد که همه مردم ایران بادرس گرفتن از رویدادهای تلخ سال ۱۴۰۱ که یکی از دشوارترین دوران زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدنی ایرانیان بود، به زیست جمعی و همزیستی مسالمت آمیز بین سویه های مدنیت ایرانی بینجامد. اگر چه فشار تورمی و وقایع تلخ با ییز این سال کام همه مردم را تلخ کرد ولی این تجربه تلخ می تواند زمینه صلح درون و آشتی ملی ایرانی ها با هر عقیده ای باشد که با پذیرش «دیگری» راه را بر بدخواهان خوشبختی ملت ایران تنگ تر کند. فرارسیدن عید نوروز را به همه ایرانیان تبریک می گوئیم



عکس: آرمان ملی /حجت سپهوند

توافقتنامه پکن و شطرنج سیاسی منطقه

از ۳۵۰ میلیارد دلار برای عربستان هزینه به همراه داشته به توقف طرح توسعه افق ۲۰۳۰ محمد بن سلمان منجر شد. همچنین رسانه های گسترده وابسته به عربستان که تمام توان تخریبی خود را در حوادث پائیز گذشته ایران به کار گرفتند نتوانستند ایران را درگیر یک بحران داخلی کنند و لذا با ناکامی مواجه شدند. این موضوع موجب شد تا محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان به این نتیجه برسد که سیاست های تهاجمی علیه ایران و همراهی با آمریکا و رژیم صهیونیستی دستاوردی برای عربستان به همراه نخواهد داشت. لذا «شنی جین پینگ»، رئیس جمهوری چین با قابلیت های بالای سیاسی و با بهره گیری از شم اقتصادی و سیاسی خود متوجه شد که عربستان قصد دارد تا سیاست های منطقه ای و جهانی خود را تغییر دهد. پیشنهاد میانجیگری چین در جریان سفر رئیس جمهوری این کشور به ریاض مطرح شد و مورد پذیرش محمد بن سلمان واقع شد. همچنین در سفر آیت الله ابراهیم رئیسی به پکن در بهمن ماه گذشته همین پیشنهاد از سوی طرف چینی ارائه شد که با موافقت رئیس جمهوری اسلامی مواجه شد. توافقنامه پکن، سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به امارات متحده و سفر وی به عراق نشان می دهد که منطقه در حال خروج از یک بحران نفسگیر و فراگیر و ورود به یک افق روشن و یک فضای تفاهم نوام با تعاملات دلیذیر منطقه ای است. از این رو گمانه زنی ها این است که سال ۱۴۰۲ سال همگرایی منطقه ای، بهر از راهکارهای تهاجمی و حرکت به سمت توسعه اقتصاد محور عربستان و مشخصا محمد بن سلمان، ولیعهد جوان و جوانای قدرت این کشور سنگین بود. محمد بن سلمان پس از ورود به چرخه قدرت به خوبی دریافت که رسیدن به افق توسعه ۲۰۳۰ که عربستان را از یک کشور بسته سنتی به یک کشور فوق مدرن تبدیل کند نیازمند یک حاشیه امن منطقه ای است. جنگ ۷ ساله عربستان علیه یمن که بیش



حسن هانی زاده

تحلیلگر مسائل بین الملل

تناسب افزایش دستمزد با نرخ تورم



هادی حق شناس

اقتصاددان

درخصوص تعیین دستمزد یا حداقل دستمزد که هر ساله در ایران تبدیل به یک چالش جدی بین کارگران و کارفرمایان و دولت می شود، چند نکته مهم وجود دارد. نکته اول اینکه هزینه خانوارها در همه کشور یکسان نیست. به عنوان مثال هزینه برقی که در جنوب کشور خانوارها به دلیل شرایط آب و هوا پرداخت می کنند در بقیه مناطق سردسیر یکسان نیست. یا هزینه گاز مصرفی که مناطق سردسیر پرداخت می کنند در جنوب کشور معنا و مفهوم ندارد یا اگر سبید مصرفی خانوارها را مورد بررسی قرار دهیم، یکسوم هزینه زندگی خانوارها ناشی از اجاره مسکن است. حال سوال این است آیا اجاره مسکن در کلانشهرها با شهرهای کوچک یکسان است؟ قطعاً یکسان نیست. لذا تعیین حداقل دستمزد ممکن است برای برخی مناطق جوابگوی هزینه ها باشد اما برای برخی مناطق دیگر مثل کلانشهرها جوابگو نباشد بخصوص برای پایتخت کشور. نکته مهم دیگر اینکه دستمزد و هزینه کارگر در تولید برخی از کالاها ممکن است تا یک سوم قیمت تمام شده محصول یا خدمات آن بنگاه، تاثیر معناداری باشد. اما برای بنگاه های بزرگ صنعتی مثل خودروسازها یا پتروشیمی ها یا پالایشگاه ها، هزینه دستمزد کارگر به چند واحد درصد هم نمی رسد. لذا در بنگاه های بزرگ اقتصادی اگر دستمزد ها افزایش چندبرابری هم داشته باشند در قیمت تمام شده محصول یا خدمات آن بنگاه، تاثیر معناداری ندارد. این دو نکته ذکر شد به این دلیل که ما نباید حداقل دستمزد ها را دارای شرایط یکسان برای کل کشور، برای کل بنگاه های اقتصادی در نظر بگیریم. اما همانطور که از اسم این حداقل دستمزد پیداست، قرار است که حداقل معیشت خانوارها یا خانوارهای کارگران تامین شود. چون مینا این است که حداقل دستمزد تعیین بشود پس باید به حداقل سبد خانوارها نگاه کرد یعنی الان طبق اطلاعاتی که هم بانک مرکزی و هم مرکز آمار ایران منتشر کرده منشا حدود دوسوم هزینه خانوارهای ایرانی از اجاره بهای مسکن یا خورد و خوراک است. اگر این را فقط به عنوان یک منشا و یک شاخص بدانیم باید ببینیم در سال جاری هزینه خانوارها از ناحیه اجاره بها و از ناحیه خورد و خوراک چقدر افزایش پیدا کرده است. نمی شود از خردادماه به این سمت بیش از ۵۰ درصد هزینه خوراکی ها افزایش پیدا کرده باشد و ما این را در موضوع حداقل دستمزد ها لحاظ نکنیم. از طرف دیگر یک چوروانی هم در جامعه وجود دارد. یعنی همچنان که وقتی بنزین یا دلار گران می شود همه بخش های جامعه حتی پزشکان انتظار دارند که ویزیت شان به دلیل افزایش قیمت بنزین یا دلار، افزایش پیدا کند. وقتی دستمزد کارگر هم افزایش پیدا می کند باز همان پزشک در مطب یا نانوا در نانواپی هم انتظار دارد که خدمات یا محصول آن کارگر هم افزایش قیمت پیدا کنند در حالی که افزایش دستمزد کارگرها سهم بسیار ناچیزی در قیمت تمام شده ویزیت پزشک یا قیمت تمام شده محصول سایر بنگاه ها دارد. آنچه اقتصاد ایران با آن مواجه است انتظارات تورمی هست که از ناحیه افزایش قیمت بنزین یا قیمت دلار یا دستمزد کارگرها ایجاد می شود. با توجه به این نکاتی که ذکر شد به نظر می رسد اولاً، نباید تصور کنیم افزایش دستمزد تاثیر قابل توجهی در افزایش تورم خواهد شد. بخصوص اینکه در برخی از بنگاه ها تاثیر بسیار ناچیز است. نکته دوم اینکه اگر این تعیین حداقل دستمزد، حداقل معیشت کارگران را تامین نکند حتماً اثر منفی روی بهره وری و همچنین کاهش تولید بنگاه های اقتصادی خواهد داشت. با نکات ذکر شده، انتظار این است که افزایش دستمزد کارگران تناسبی با نرخ تورم داشته باشد، انشاء الله.

بافت فرسوده فرصت تامین مسکن



زهره آزادپور

رئیس سابق کمیته شهرسازی شورای اسلامی شهر تهران

در این مناطق و یا شهرک های تازه تاسیس نسبت به نمونه های مشابه کاهش یافته و جمعیت کمتری برای سکونت در آنها رغبت داشته باشند. از سوی دیگر، این مسئله و بی توجهی به جنبه های کیفی زندگی شهری در پروژه های نوسازی بافت های فرسوده هم قابل مشاهده است. به طوری که در دهه های گذشته، عمدتاً نوسازی کالبدی ساختمان ها و منازل مورد توجه قرار گرفته تا هر چه بیشتر آمارهای نوسازی افزایش یابد و یا سود اقتصادی بیشتری نصیب سرمایه گذاران شود. این در حالی است که بسیاری از جمعیت اصیل و هویت بخش به محلات تاریخی و فرسوده، بعد از نوسازی املاک از محله خود مهاجرت کرده و به همین دلیل هویت فرهنگی و سرمایه اجتماعی این مناطق شهری خدشه دار می شود. این تجارب در شرایطی به دست آمده که سرمایه مالی قابل توجهی طی دهه های گذشته در حوزه مسکن سازی و یا نوسازی بافت های فرسوده و مسئله دار شهری صرف شده است و همچنان این بخش از شهرها با مسائل و چالش های مواجه هستند. این در حالی است که ماه های اخیر در اخبار منتشر شده از سوی نهادهای متولی امر (نظیر وزارت راه و شهرسازی، شهرداری تهران و...) همچنان بر این موضوع تأکید شده که کمیت تولید مسکن جزو اهداف اصلی دستگاه های فوق الذکر است. همچنین شنیده ها حاکی از آن است که در بسیاری از این پروژه های مسکن سازی و یا نوسازی بافت های فرسوده، به تأمین خدمات پشتیبان سکونت کمتر توجه شده و سرمایه گذاران این پروژه ها که عمدتاً موسسات مالی بخش خصوصی هستند، تراکم ساختمانی هر چه بیشتر را ملاک عمل قرار داده اند تا سود بیشتری نصیب شان شود. اما همانطور که ذکر شد تجارب قبلی مرتبط با این حوزه حاکی از آن است که نباید اهداف کمی-اقتصادی محوریت قرار گرفته و به سایر جنبه های موضوع کم توجهی شود. زیرا ادامه چنین روندی صرفاً باعث منازل مسکونی خواهد شد که چند صباحی برخی از شهروندان در آنها سکونت یافته و به محض رسیدن به سطح مالی بالاتر، آنجا را ترک خواهند کرد. در پایان، باید بر اینکه نکته نیز تأکید شود که باید ساخت مسکن جدید در پایتخت با توجه به ظرفیت جمعیت پذیری مناطق مختلف شهر و کل کلانشهر تهران انجام شود. زیرا تحقق ساخت ۱۸۰ هزار واحد مسکونی در بافت فرسوده تهران (با لحاظ بعد خانوار ۴ نفری)، جمعیتی بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر را به ساکنان این محلات اضافه خواهد کرد و این در حالی است که هم اکنون و با جمعیت فعلی، این محلات از شهر تهران با کمبود فضاهای عمومی، نبود معابر مناسب، کیفیت پایین زیرساخت ها و تاسیسات شهری، عدم تأمین سرانه های خدماتی پشتیبان سکونت، وجود و گسترش فضاهای بی دفاع شهری و... مواجهند. بدین ترتیب، مدیریت کلان شهرداری تهران با وزارت راه و شهرسازی باید در رویه های کنونی خود تجدیدنظر کرده و از در نظر گرفتن مسکن به عنوان موتور محرک بخش اقتصادی برهیز نمایند.

چندی پیش؛ شهردار تهران در یکی از جلسات مدیریتی، مقایسه ای درباره کیفیت خدمات شهری و سکونتی بین دو شهرک، یکی شهرک اکباتان و دیگری شهرکی که در دوران مدیریت آقای محمدباقر قالیباف ساخته شده، کرد. این مقایسه سبب مطرح شدن حواشی در خصوص پروژه های مسکن سازی و شهرک سازی در تهران و حتی کل کشور شد. اما فارغ از جناح بندی های سیاسی میان جریان های اصولگرا و اصلاح طلب، اینکه مدیریت شهری در دوران فعلی به این جمع بندی رسیده که نباید کیفیت و ارزش سکونت در شهرها فدای کمیت مسکن سازی شود، نکته مهم و ارزشمندی است. زیرا در سال های گذشته، بسیاری از اساتید دانشگاه و صاحب نظران در حوزه معماری، شهرسازی، جامعه شناسی و... به رونددهای مدیریتی ادوار گذشته بر شهرداری تهران انتقاداتی مطرح کرده بودند. اما این نقدها، از سبوی همفکران سیاسی شهردار اسبق تهران مورد توجه قرار نگرفت. اما همانطور که در ابتدای مطلب اشاره کردم، قصد دارم جدای از برخورد های سیاسی به بررسی اجمالی پروژه های شهرک و مسکن سازی در تهران بپردازم. چرا که سال ها در عرصه بازآفرینی بافت های فرسوده و تاریخی کلانشهر تهران فعالیت داشته و همچنین در کمیته شهرسازی شورای شهر دوره پنجم تهران هم در مسطح مدیریت کلان با حوزه نوسازی، بازآفرینی و مسکن سازی در ارتباط بوده ام. تجربه حضور و فعالیت در حوزه های فوق الذکر این درس ها را برایم داشته که باید با این عرصه های مسئله دار شهری مواجه های همه جانبه و جامع داشته باشیم و نباید صرفاً با عینک رویکردهای کمی و مالی-اقتصادی با بحث مسکن سازی و نوسازی بر خورد کنیم. از جمله اینکه در بازدیدهایی که از مرورایدشهر (در منطقه ۲۲ شهرداری تهران) داشتم، این نکته بیشتر به چشم می آمد که گویا صرفاً مسکن سازی و کمیت ساخت واحد مسکونی برای متولیان این پروژه مهم بوده است و جنبه های کیفی در خصوص شبکه معابر، فضاهای عمومی این شهرک، زیرساخت ها، سرانه های عمومی، کاربری های پشتیبان سکونت، پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در ایسن پروژه و صندوق پروانه برای ساختمان ها مورد غفلت قرار گرفته است. همچنین در کل منطقه ۲۲ شهر تهران که منطقه ای تقریباً جدید محسوب می شود؛ به واسطه ساخت و سازهای بلندمرتبه مسکونی و تجاری-اداری مشکلات حادی همچون نبود شبکه فاضلاب شهری و سرازیر شدن فاضلاب به شبکه دفع آب های سطحی منطقه، کمبود معابر، کمبود خدمات محله ای همچون کاربری آموزشی و... به چشم می خورد. در نهایت، چنین مسائلی سبب خواهد شد که ارزش سکونت و کیفیت زندگی

